

اصول ۱	موضوع :	۴	پایه :
۱۰/۳۰	ساعت :	۹۱/۰۶/۰۶	تاریخ :

امتحانات ارتقائی - شهریور ۱۳۹۱
پاسخنامه مدارس شهرستان

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
 معاونت آموزش
 اداره ارزشیابی و امتحانات

نام کتاب: اصول الموجز، کل کتاب

لطفاً به همه سؤالات، تستی و سوال تشریفی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریفی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۹ د

۱. به نظر مصنف موضوع علم اصول فقه چیست؟

أ. کل قاعدة عملیة

ب. الأدلة الأربع

ج. الحجج والأدلة

د. كل شيء من شأنه أن يقع في طريق الاستنباط

۷. «الاقدام على وفق ماقطع به بشرط أن يكون مخالفًا للواقع» تعريف چیست؟ ب ۱۳۷

د. معصیت

ج. اطاعت

ب. انقياد

أ. تجري

۴۶

ج

۳. تقسیم مقدمه بـ «مقدمة الوجود و مقدمة الصحة و مقدمة الوجوب» یکون باعتبار

ب. حاکم المقدمة

أ. نفس المقدمة

د. اختلاف کیفیة تأثیر کل فی ذی المقدمة

ج. ذی المقدمة

۲۲۶

ج

۴.

القاعدة الاولیة عند تعارض الخبرین تعارضًا مستقرًا هي

د. الجمع العرفی

ج. التساقة

ب. التخيير

أ. الترجيح

سؤالات تشریحی:

۲۰۷

۱. چهار رکن از ارکان «استصحاب» را نام ببرید.

۱. اليقين بالحالة السابقة و الشك في بقائهما ۲. اجتماع اليقين و الشك في زمان واحد المستصحب (فعليه اليقين في ظرف الشك)

۳. تعدد زمان المتيقن و المشكوى ۴. سبق زمان المتيقن على زمان المشكوى ۵. وحدة متعلق اليقين و الشك.

۴۹

۴.

۲.

به نظر مصنف آیا مقدمة واجب، واجب است؟ چرا؟

و المختار عندنا عدم وجوب المقدمة أساساً لأنَّ الغرض من الإيجاب هو جعل الداعي في ضمير المكلَّف للابتعاث نحو الفعل والامر المقدَّمِي فاقد لتلك الغاية فهو اما غير باعث او غير محتاج اليه.

۳. مضمون حدیث رفع را نوشتہ، فقره‌ای را که در بحث برائت مورد استفاده قرار می‌گیرد و شیوه استدلال به آن را توضیح دهید. ۱۸۲

در حدیث رفع، پیامبر ﷺ نه چیز را از امت خود برداشته‌اند که یکی از آن موارد «ما لا يعلمون» است و چون مورد مشتبه در شباهات حکمیه تحریمیه، معلوم نیست بنابراین طبق حدیث رفع مؤاخذه از آن برداشته شده است و این معنای برائت است.

۴. مثال «اذا تيقن بعده زيد يوم الجمعة ثم طرأ عليه الشك يوم السبت في عدالة زيد في نفس يوم الجمعة» مجرای چه قاعده‌اي است؟ چرا؟^{۲۰۸}
مجري قاعده يقين است؛ لعدم فعلية اليقين لزواله بالشك و وحدة متعلقی اليقين و الشك جوهراً و زماناً.

۵. واجب «موقت» و «غير موقت»، «مطلق» و «مشروط»، «نفسی» و «غيری» را تعريف کرده، برای هر کدام مثال بزنید.^{۵۱ - ۵۲}

واجب موقت: ما يكون للزمان فيه مدخلية نحو الصوم – واجب مطلق: اذا كان وجوب الواجب غير متوقف على تحقق شيء خاص فهو بالنسبة اليه مطلق نحو وجوب الحج بالنسبة الى قطع المسافة – واجب مشروط: برخلاف مطلق است مثل وجوب الحج بالنسبة الى الاستطاعة – واجب نفسی: ما وجب لنفسه كالصلة – واجب غيری: ما وجب لغيره كال موضوع بالنسبة الى الصلة.

۶. آیا بحث از صحیح و اعم در معاملات جریان دارد؟ توضیح دهد.^{۲۵}

اگر معاملات و الفاظ عقود را اسم برای اسباب بدانیم بحث جریان دارد؛ اما اگر این الفاظ را اسم برای مسیبات بدانیم، چون مسیبات از امور بسيطه است لذا دائیر بین وجود و عدم است و این بحث جریان ندارد.

۷. در چه صورتی می‌توان از سیره، حکم شرعی را استکشاف نمود؟^{۱۵۰}

با دو شرط: ۱. آن لا تصادم النص الشرعی ۲. أن تكون متصلة بعصر المعصوم (و في مرأى و مسمع منه (بـالإسلام))

۸. وظيفة مكلف در صورت ظن به حکم شرعی واقعی چیست?^{۱۳۴}

ان قام الدليل القطعی على حجیة ذلك الظن كخبر الواحد يجب العمل به و ان لم یقم فهو بحكم الشاک و وظیفته العمل بالاصول العملية.

* اذا كان الشرط متعددًا و الجزاء واحدًا كما لو قال: إذا خفى الاذان فقصّر و إذا خفى الجدران فقصّر... .^{۸۷}

۹. تعارض و نحوه حلّ آن را در فرض فوق بنویسید.

على القول بظهور الجملة الشرطية في المفهوم تقع المعارضه بين منطق احدهما و مفهوم الآخر و يمكن لنا ارتفاع التعارض بالتصرف في السبيبية التامة او التصرف في انحصرية الشرط.